



نقش سازمان اطلاعاتی انگلستان

مطرح شد.

بر اساس اظهارات مطرح شده، زنی که در آن زمان رهبری پایگاه MI6 در این کشور آفریقای مرکزی را بر عهده داشت، قتل پاتریس را با همکاری سازمان اطلاعات بریتانیا راهبری کرده است. یکی از اعضای حزب کارگر در همین خصوص گفته بود: «پارک بارونس مومنوت» چند ماه قبل از مرگش در مارس ۲۰۱۰ برای او اعتراف کرد که در سال ۱۹۶۱ در ترور پاتریس لومومبا نقش داشته است. او نوشت: «من به هیاهوی پیرامون ربهه شدن و قتل لومومبا اشاره کردم و این نظریه را به یاد آوردم که MI6 ممکن است با آن ارتباط داشته باشد؟ او پاسخ داد: «ما انجام دادیم.»

من سازماندهی اش کردم.» گمان می رود پارک که پس از چهار دهه به عنوان یکی از برترین مأموران اطلاعاتی زن بریتانیا توسط برخی به عنوان «ملکه جاسوسان» شناخته می شد، در سال ۱۹۵۹ توسط MI6 تحت پوشش رسمی دیپلماتیک به کنگو فرستاده شده باشد. او در نامه اش به نقل از پارک آورده ما نگران ذخایر با ارزش اورانیوم و همچنین الماس ها و سایر مواد معدنی مهم کنگو بودیم. این نامه در پاسخ به بررسی کتاب «کالدور والتون» درباره فعالیت های اطلاعاتی بریتانیا نوشته شده است.



در سال ۲۰۱۳ میلادی، گاردین به ادعاهای مطرح شده توسط یکی از اعضای سابق MI6 پرداخت که به برنامه ریزی و همکاری در قتل لومومبا اشاره و به آن اعتراف کرده بود. سازمان اطلاعاتی انگلیس اما پاسخی به این ادعا نداد و تنها یکی از مأموران این سازمان ادعا کرد که خانم پارک مومنوت در آن زمان اختیار دادن دستور قتل کسی را نداشته است. اما بعد از آن، ادعاهای مربوط به قتل پاتریس لومومبا در سال ۱۹۶۱ توسط یکی از اعضای مجلس اعیان بریتانیا از حزب کارگر در نامه ای به مجله «نقد کتاب لندن» دوباره

شکست بخورد، خانواده های آنها بی پول خواهند ماند.» درخواست بلافاصله پذیرفته می شود.

در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰، موبوتو برای اولین بار قدرت را به دست گرفت. لومومبا دستگیر شد؛ بومبوکو وزیر خارجه باقی ماند و روابط دیپلماتیک با اتحاد جماهیر شوروی، چین و چکسلواکی پایان یافت. اما یک مشکل وجود داشت. موبوتو که کاساویو را در حبس خانگی قرار داده، بالفعل رئیس دولت است. دولین فوراً به ملاقات او رفت: «شما مشکل بزرگی در مشروعیت دارید، بخصوص که مجلس شورای ملی را برکنار کردید. کاساویو را به قدرت برگردانید.» موبوتو این کار را انجام داد و کاساویو را به قدرت بازگرداند، زیرا انتخاب زیادی نداشت. در هفته های پس از کودتا، حداقل در سه نوبت سیا با استفاده از خبرچینان خود در طرفداران لومومبا، به موبوتو کمک کرد تا تلاش ها برای ترور خودش را خنثی کند.

این مسأله باعث ایجاد ارتباط دوستی تنگاتنگی با موبوتو شد. رئیس ایستگاه سیا دیگر تحسین خود را برای این سرهنگ جوان که نه تنها دارای شجاعت بدنی خیره کننده بود، بلکه قادر بود بر انبوهی از شورشیان وحشی و خطرناک تسلط یابد، پنهان نمی کرد. موبوتو در عین حال با افراد دولین احاطه شده بود. این گروه متشکل از افرادی بود که یا «دوستان سیا بودند یا با نفوذ آن استخدام شده بودند.»

عملیاتی که آیزنهاور دستورش را صادر کرد

البته موضوع لومومبا همچنان حل نشده باقی مانده بود. نخست وزیر سابق اگرچه در بازداشت بود، اما هنوز اقامتگاه رسمی خود را ترک نکرده بود. او اکنون توسط نیروهای حافظ صلح سازمان ملل محافظت می شد. اظهارات متعدد لومومبا به همان اندازه که شجاعانه بود، تحریک کننده به حساب می آمد. خلاصه اینکه از نظر امریکا باید جلوی او گرفته می شد.

در ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۰، دولین پیامی محرمانه از ساختمان مرکزی سیا در ویرجینیا دریافت کرد: «جو از پاریس» در ۲۷ سپتامبر به آنجا خواهد رسید. او با شما تماس می گیرد و شما باید با هم کار کنید.» در روز تعیین شده، او و جو در یک کافه و سپس در یک خانه امن ملاقات کردند. جو شمیمیدانی است که برای سیا کار می کند و مجموعه ای کامل از سموم را برای از بین بردن لومومبا با خود به همراه آورده بود. دولین پرسید: «چه کسی مجوز این عملیات را داده است؟» جو پاسخ داد: «شخص رئیس جمهور، آیزنهاور» و ادامه داد: «این فقط و تنها به شما بستگی دارد که این کار را انجام دهید.» سپس بسته ای حاوی سم را به او داد: پودرها و مایعات مختلف برای غذا، نوشیدنی و حتی یک خمیر دندان مخصوص. در ادامه هم گفت: «اگر مرد ما دندان هایش را با آن مسواک بزند، فلج اطفال بدی می گیرد. امروز اینجاست و فردا دیگر نیست.» دولین، که از نیاز به سرکوب لومومبا متقاعد نشده بود، با تنها نماینده خود در اطرافیان لومومبا تماس گرفت. اما او از این کار خودداری کرد و به دولین اطمینان داد که به آشپزخانه ها و آپارتمان های خصوصی لومومبا که به طور فزاینده ای نسبت به اطرافیانش بی اعتماد بود، دسترسی ندارد. در طول چند هفته بعد، دولین هیچ کاری نکرد. سیا بی صبرانه منتظر بود و مدام پیام می فرستاد: «چه شد؟» ۲۷ نوامبر ۱۹۶۰ در یک شب طوفانی، لومومبا مخفیانه پایتخت را ترک کرد تا به استانبول، سنگر امن خود برود. اما چند روز بعد در کاسای دستگیر و به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و قبل از اینکه در اردوگاه نظامی تیسویل زندانی شود به لئوپولدویل بازگردانده شد. نماینده سازمان ملل در کنگو به «هامار شولد» (دبیر کل سازمان ملل) التماس می کرد تا به گروه غنای سازمان ملل اجازه دهد تا مأموریت نجات پاتریس را انجام دهند؛ اما دبیرکل تحت فشار مستقیم امریکایی ها این درخواست را نپذیرفت!

بگذارید کنگویی ها از کنگویی ها مراقبت کند

هنگامی که طرفداران لومومبا از چند استان دیگر کنگو قیام خود را آغاز می کردند، طرح امریکایی دیگری ظاهر شد! بگذارید کنگویی ها مراقب کنگویی ها باشند! به عبارت دیگر «بگذارید ارتش خودش کار کثیف را انجام دهد.»

۱۳ ژانویه ۱۹۶۱ در اردوگاه تیسویل، جایی که لومومبا در آن نگهداری می شد شورش شد. سیا سرعت متوجه شد که سربازان نخست وزیر سابق را آزاد کرده و تصمیم دارند تحت امر او قرار گیرند. اما بار دیگر، رئیس ارتش سربازان را تحت کنترل خود در می آورد و لومومبا دوباره دستگیر شد. این قهرمان استقلال کنگو با هوایما به الیزابتویل (لوبوباشی کنونی)، مرکز استان جدایی طلب کاتانگا، جایی که دشمن قسم خوردش نومه منتظر اوست، فرستاده شد. لومومبا، با صورت متورم خود، در ۱۷ ژانویه در حال ورود به فرودگاه دیده شد و در همان روز کشته شد. ۲۰ ژانویه، رئیس جمهور کندی در واشنگتن کار خود را آغاز کرد. در سیا نیز همگی از این اتفاق استقبال کردند که پرونده لومومبا قبل از آغاز دولت جدید بسته شد.